

۱۸ (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

تلفیق شعر و موسیقی

۱۸

از دکتر مهدی فروغ

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سابقاً اشاره کرده ایم که حرکات الفباز آواز از لحاظ سهولت اداء با هم متفاوتند. مثلاً (آ) آسانترین و (او) سختترین حرکات است در آواز. علمای علم اصوات Phonetiques پس از مطالعات دقیقی که درباره حالات مختلف زبانهای پنجگانه (فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیائی، لاتین) از لحاظ صوت بعمل آورده اند ارزش هر حرکت را از نظر سهولت ادای آن در آواز تعیین کرده اند. علمای مزبور در این پنج زبان بیست حرکت بسیط یافته و به هر یک از آنها از لحاظ سهولت ادای آن شماره ای داده اند. به حرکت (آ) که سهلترین حرکات است شماره یک و به حرکت (او) که کوتاه که مشکلترین

آنهاست شماره بیست داده شده است . حرکات دیگر به ترتیب بین این دو شماره قرار دارد .

بعضی از این حرکات در همه زبانهای جهان مشترک است و بعضی اختصاص به یک زبان دارد. مثلا حرکت U در فرانسه در حقیقت ترکیبی است از حرکت زیر و صدای (او). در ادای حرکت زیر چنانکه قبلا شرح داده شده است لبها هیچ دخالتی ندارند و فقط وضع زبان است که ادای آن را میسر میسازد . حال اگر لبها را نیز دخالت دهیم یعنی در همان حینی که زبان برای ادای حرکت زیر آماده است لبها را هم گرد کنیم و ایجاد صوت کنیم صدای اختصاصی U در زبان فرانسه بوجود می آید . بهمین ترتیب در زبانهای آلمانی و انگلیسی و ایتالیایی و لاتین نیز حرکاتی هست که مختص خود آنهاست و در زبانهای دیگر یافت نمیشود .

بنابراین از حرکات بیست گانه مزبور آنچه در زبان فارسی یافت میشود با شماره در اینجا ذکر میکنیم.

- ۱ - حرکت (آ) کشیده و کوتاه مثل آب، آچار؛ ۲ - (ای) کشیده مثل میخ؛ ۳ - (او) کشیده مثل سود؛ ۴ - حرکت زیر (کوتاه) مثل شن؛ ۵ - در زبان فارسی در آخر کلماتی که به (ان) ختم میشود مثل بوستان ممکن است بکار رود؛ ۶ - (ای) کوتاه مثل این؛ شماره های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ در زبان فارسی نیست؛ ۱۴ - زیر (کشیده و کوتاه) مثل مرد، من؛ ۱۵ - در زبان فارسی نیست؛ ۱۶ - حرکت زیر بسیار کوتاهی که در آخر کلماتی که به هاء غیر ملفوظ تمام میشود قبل از هاء تلفظ میشود مثل همه، ربه؛ ۱۷ - حرکت زیر کشیده مثل زشت؛ ۱۸ - حرکت پیش کشیده و کوتاه مثل سرخ و استاد؛ ۱۹ در فارسی نیست؛ ۲۰ - او (کوتاه) مثل چون.

حال آنچه از این حرکات که بنا به توضیحی که دادیم در زبان فارسی موجود است با شماره ای که از لحاظ سهولت ادا، به آنها داده شده است و با مثالهای مناسب در جدولی ذکر میکنیم .

۱- (آ)	۲- (ای) کشیده	۳- (او) کشیده	۴- حرکت زیر (کوتاه)
آشنا خانه کار آواز	ایران شیر ابدون میغ	اورمزد بود شوره	اسپند دلشار شن اشکم
آبپاش آجیده خاله باکاره			

۵- صدائی بین (آ) و (ا)	۶- (ای) کوتاه	۱۴- زیر (کشیده و کوتاه)	۱۶- زیر
آن بوستان بانگ	این شیرجه یکی بسی	مت سرد چشم من اکر زر	همه ر لانه کسره ما قبل ها، غیر ماقبل و

۱۷- زیر (کشیده)	۱۸- حرکت پیش (کشیده و کوتاه)	۲۰- او (کوتاه)
زشت سرشت جرز سدر	سرخ شخم برج استاد اردک اریب	فریدون شبیخون چون

* - ملاحظه میشود که کلمه کار وقتی به صورت مفرد بکار میرود با صدای (آ) کشیده و وقتی بصورت کلمه مرکب بکار میرود با صدای (آ) کوتاه ادا میشود .

حرکات آ، ای، او که سه حرکت اصلی نام دارند به ترتیب شماره‌های یک، دو، سه را در جدول تشکیل می‌دهند و شرح آنها قبلاً بیان شده است. حرکت شماره چهار کسره است و حرکت شماره پنج صدائست بین (آ) و (او) چنانکه بیان شد.

ما در زبان فارسی صداهای مزبور را بعنوان یک حرکت مشخص بشمار نمی‌آوریم ولی اگر بخواهیم دربارهٔ زبان فارسی مطالعاتی از لحاظ صوت بکنیم باید حالات مختلف ادای هر حرکت را به دقت بررسی کنیم.

دو حرکت ۴ و ۵ را حرکات فرعی مینامند چون هر یک از آنها در نتیجهٔ عبور از یک صدای اصلی به صدای اصلی دیگر حاصل میشود. مثلاً اگر دهان را برای ادای صدای (آ) آماده کنیم و بتدریج آن را برای ادای صدای (ای) تغییر دهیم ملاحظه میشود که در بین راه به صدای زیر میرسیم. همینطور اگر از صدای (آ) به صدای (او) برویم بین راه به صدای پیش میرسیم.

حرکات شماره ۸، ۹، ۱۴ زبرهای مختلفی هستند که فقط شماره ۱۴ آنها در زبان فارسی متداول است.

ممکن است تصور شود که بین بعضی از این حرکات تفاوت چندانی نیست ولی اگر از لحاظ زیبایی صوت دربارهٔ آنها بیندیشیم ملاحظه می‌شود که تفاوت بین آنها بسیار زیاد است.

ادای حرکات مرکب در آواز از ادای حرکات بسیط هم سختتر است. مثلاً حرکت (آی) که امر فعل آمدن است از دو صدای (آ) و (ای) کوتاه ترکیب شده است. همچنین (اوی) از دو صدای (او) و (ای) کوتاه درست شده است. این حرکات مرکب را که تاکنون در زبان فارسی مورد بحث و مطالعه واقع نبوده اغلب خوانندگان امروزی ما در آواز به وضع زشت و زننده‌ای ادا میکنند و به گوش ناهنجار است. بدیهی است باید قسمت عمدهٔ کشش روی صدای اول باشد و صدای دوم در تلفظ کوتاه است و نیازی به کشش ندارد. بعبارت دیگر اگر مصنف بخواهد کلمهٔ مثلاً (موی) را در دو نغمهٔ (نت) مختلف بگذارد باید هجای (مو) روی نت طولانی‌تر قرار گیرد و در صورتیکه عکس این عمل شود کلمه بسیار کریه و زننده ادا خواهد شد. حرکات شماره ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵ مخصوص زبانهای آلمانی

و فرانسه و انگلیسی است و در زبانهای ایتالیایی و فارسی نیست. حرکت شماره ۶ صدای (ای) کوتاهیست که در کلماتی در زبان فارسی که به یاء ختم میشود شنیده میشود مثل یکی، بسی. این هجا، بقدری کوتاه ادا میشود که در اغلب موارد در شعر آنرا معادل يك هجای کوتاه می آورند در حالیکه بنا به قاعده کلی چون از يك حرف و يك حرکت ممدود تشکیل شده باید معادل يك هجای کشیده بحساب آید. مثلاً در این مصرع: یکی از دوستان دانشمند که وزن عروضی آن اینست ت ت تن تن | ت تن ت تن | تن تن (ت) | ملاحظه میکنیم که هجای دوم کلمه یکی نیز ارزش يك هجای کوتاه را پیدا کرده است.

حرکت ۱۷ صدای زیر کشیده است و حرکت شماره ۱۸ ضمه یا صدای پیش کشیده است. حرکت ۱۹ در زبان فارسی وجود ندارد و مختص زبان آلمانی است و حرکت ۲۰ صدای (او) کوتاهیست مثل شوربا.

برای تمیز بین حرکاتی که به دو صوت کشیده و کوتاه ادا میشود و تشخیص آنها مثالی ذکر میکنیم. کلمه شوشتر از دو هجای (شوش) بروزن تن (ت) و (تر) به وزن تن ترکیب شده است. هجای اول چنانکه ملاحظه شد مساویست با يك هجای کشیده (تن) با اضافه يك هجای کوتاه (ت). بنابراین وزن عروضی این کلمه، در صورتیکه بطور کامل تلفظ شود میشود تن (ت) تن در صورتیکه همین کلمه در موقع ضرورت در شعر و در محاوره عادی ممکن است طوری تلفظ شود که وزن عروضی آن تن تن است. در این مورد لازم است صدای (او) کوتاه ادا شود. *مطالعات فریبگی*

باید در نظر داشت که در بعضی از کلمات امکان اینکه حرکت کشیده، کوتاه تلفظ شود موجود است و در بعضی موجود نیست. این تاحدی مربوط بحالت حروفی است که در دنبال آن حرکت می آید. مثلاً در کلمه خانه (بشرط اینکه درست تلفظ شود یعنی بصورت تحریف شده خونه تلفظ نشود) همیشه صدای (آ) کشیده است. اما همین صدا در کلمه تقریباً مشابه آن مثل خاله ممکن است کوتاه ادا شود. چنانکه کلمه خاله جان در محاوره طوری تلفظ میشود که وزن عروضی آن ت ت تن است. این امکان تغییر صدا در نتیجه حالت صوتی (ل) و (ن) که در دنبال هجای (خا) واقعست مربوط میباشد و با وجود اینکه این دو حرف هر دو از حروف لثوی است یعنی در تلفظ آنها زبان ولثه دندانهای بالا دخالت دارد این تفاوت موجود است.

در پایان این مبحث تذکر این نکته ضروری مینماید که توجه به ارزش
هجاها در آواز هم از لحاظ مصنف و خواننده و هم از لحاظ شاعری که برای
آهنگ شعر میسازد کمال ضرورت را دارد. اغلب شنیده میشود که خواننده‌ها
در آهنگهای تند روی نغمه‌های کوتاه یعنی چنگ هجاهای کشیده بیان میکنند.
این هجاها نه تنها ادای آن برای خواننده و فهم آن برای شنونده مشکل
میشود بلکه بصورت مهوعی زشت و کریه بگوش میرسد. و مصنفان و خوانندگان
و شاعران باید حتی القوه از غفلت و مسامحه در این مورد دوری کنند.
اکنون که از مبحث حرکات فراغت حاصل شد به مبحث تلفظ حروف
میپردازیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی